

بررسی و تحلیل انتظار با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی^۱

حسین الهی نژاد^۲

چکیده

آموزه «انتظار» در میان آموزه‌های مهدویت از جنبه کارکرد اثر و کاربرد دارای بیش‌ترین استفاده در میان مهدی باوران است. در طول تاریخ اسلام، اندیشمندان اسلامی از آموزه انتظار فراوان گفت‌وگو کرده و بسیاری از فعالیت‌های علمی و فرهنگی خویش را در مسیر ترویج و اشاعه آن سوق داده‌اند. آیت‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی که به مرجع و فقیه مهدوی معروف است، در این خصوص فعالیت‌های چشم‌گیری داشته و آثار و پژوهش‌هایی ارزشمند به یادگار گذاشته است. مقوله انتظار در میان آموزه‌های مهدویت، یکی از پر کاربردترین و پر پسامدترین آموزه‌ها است. بر این اساس، هر چه بیش‌تر مورد بحث و بررسی علمی قرار بگیرد، اثر بخشی و کاربردی شدن آن در میان مردم بیش‌تر خواهد شد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس داده‌های منبعث از آثار آیت الله صافی گلپایگانی و با جمع‌آوری اطلاعات بر اساس شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای دنبال می‌شود تا اهتمام‌ورزی جدی آیت الله صافی گلپایگانی به اندیشه مهدویت، به‌ویژه آموزه انتظار روشن‌تر گردد.

واژگان کلیدی: انتظار، مهدویت، ظهور، صافی گلپایگانی، منتخب الاثر.

۱. این مقاله به همایش بین‌المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

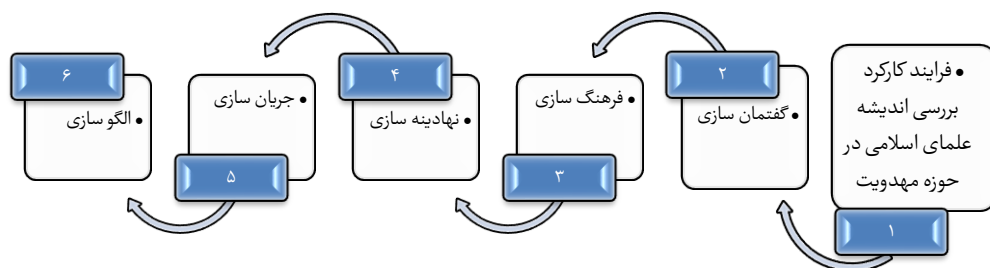
۲. استاد تمام پژوهشگاه مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی قم، ایران hosainelahti1212@gmail.com

مقدمه

«مهدویت» در میان آموزه‌های اسلامی، آموزه مهم و تأثیرگذار و در ردیف آموزه‌های اصلی اسلامی قرار دارد و در گستره آموزه مهدویت، آموزه‌های مختلفی، نظیر غیبت، انتظار، ظهور و زمینه‌سازی ظهور مطرح هستند که آموزه انتظار از نظر کارکرد و کاربرد در میان منتظران دارای بیش‌ترین نقش و تأثیرگذاری است. به‌طور کلی در طول تاریخ اسلام و در حوزه فعالیت‌های علمی و اجتماعی اندیشمندان اسلامی، مهدویت و آموزه‌های آن، دارای جایگاهی مهم و قابل توجه‌ای است و همه علمای اسلامی به نحوی به موضوع مهدویت توجه کرده و در مورد آن کم و بیش به تحقیق و پژوهش پرداخته و مکتوبات و رساله‌های گوناگونی از خود به یادگار گذاشته‌اند. بر این اساس، علما و اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی به‌صورت مختلف به این عرصه ورود پیدا کرده و در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت تحقیقات قابل توجهی انجام داده‌اند؛ مثلاً در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، در میان اصحاب آن‌ها، افرادی نظیر فضل بن شاذان نیشابوری بیش‌ترین اثر را که هفت جلد کتاب باشد، به رشته تحریر در آورده و بعد از ایشان عبدالله بن جعفر حمیری پنج جلد کتاب تدوین کرده است (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۸۰) و در عصر غیبت صغرا و ابتدای غیبت کبرا، شیخ مفید بیش‌ترین اثر، یعنی هشت جلد کتاب و بعد از ایشان، شیخ صدوق پنج جلد کتاب تدوین کرده است (همان، ص ۹۵). در دوران معاصر که مباحث مربوط به مهدویت رشد فزاینده‌ای پیدا کرده و مورد اقبال و توجه همه مردم قرار گرفته است؛ تألیفات و مکتوبات مهدوی نیز در این مسیر رشد فزاینده و همه‌جانبه‌ای پیدا کرده است. در این میان، آیت الله صافی گلپایگانی در بین عالمان شیعه و اهل سنت با بیش از بیست اثر، بیش‌ترین کتاب را در عرصه مهدویت به خود اختصاص داده است. بر این اساس، در جمع بندی مطالب گفته می‌شود که اولاً، در طول تاریخ اسلام بیش‌ترین آثار و خروجی‌های مهدوی به دوران معاصر متعلق می‌باشد؛ ثانیاً، در میان علما و اندیشمندان اسلامی بیش‌ترین آثار و مکتوبات مهدوی به آیت الله صافی گلپایگانی متعلق است که تعداد آن‌ها بیش از بیست اثر است. در این نوشتار به تبیین و تحلیل بحث انتظار با محوریت اندیشه مهدوی آیت الله صافی گلپایگانی پرداخته شده است. جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و در داده‌پردازی، اطلاعات به صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشند. بی‌تردید هر چه اقوال و



اندیشه‌های علمای اسلامی در مباحث مهدویت و انتظار بیش‌تر تبیین شوند و نگرش‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها بیش‌تر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند، گفتمان‌سازی مهدوی در جامعه زودتر اجرایی می‌شود. بر این اساس، برای رسیدن به الگوی مهدوی در جامعه ضروری است که بیش‌تر به اندیشه‌های علما و اندیشمندان اسلامی در خصوص مهدویت پرداخته شود و بیش‌تر با نگرش تحلیلی و کارکردی مورد توجه قرار گیرد.



مفهوم‌شناسی

الف) انتظار

واژه «انتظار» از ریشه «نظر» می‌باشد که در باب افتعال به کار برده شده؛ از مترادف‌های معنایی آن تائی و ترقّب است (شرتونی، ۱۳۷۷: ج ۵، ص ۲۳۰ و معلوف، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۲۱)؛ و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم داشتن، چشم به راه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۲۱۹ و دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ص ۲۹۴). آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن شده، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطاوعه» به معنای تأثیر پذیری است و بدین سبب واژه انتظار به معنای «چشم به راه شدن» خواهد بود. براساس مطلب مذکور، «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، سلسله‌اموری مرتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است؛ رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

«انتظار فرج»، به معنای تعهد، عمل، استقامت و حرکت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹:

ج ۲، ص ۱۶۰). این انتظار، امید، نیروبخش و حیات و نشاط و جهاد است؛ خمودی، خاموشی، افسردگی، ضعف، کم‌کاری، بی‌چارگی و سستی نیست. عمل برای خدا برای اعتلای کلمه الله برای خیر و آسایش عبادالله و سیر الی الله است (همان، بی تا: ص ۹۳). حرکت و انتظار در کنار هم هستند، نه از یکدیگر جدا. انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه مقدس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش ارزنده‌تر و مقدس‌تر خواهد بود (همان، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۵۲). اسلام که تعلیمات و هدایت‌هایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد؛ اصل انتظار و نگاه به آینده را، پشتوانه بقای جامعه‌ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین کارهای امتم انتظار فرج است» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۶ و صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۵۴).

صاحب کتاب مکیال المکارم در کتابش در مورد مفهوم شناسی انتظار می‌نویسد: «انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم، از آن بر می‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است» (اصفهانی، ۱۴۲۱: ص ۴۵). به بیان دیگر، انتظار فرج به معنای تهیو و ترقب (حرانی، ۱۳۶۳: ص ۱۰۶) و یا به معنای آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به انگیزه یاری رساندن به آن حضرت است که در این خصوص باید از کارهایی که با این عمل منافات دارد، دوری کرد (خویی، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۳۱۹).

شیخ صدوق در کتاب عیون الاخبار ابتدا این روایت را: «بهترین عبادات امت من انتظار فرج در امور مسلمین از ناحیه خداست»؛ از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند و بعد در ذیل آن، به تبیین انتظار اصطلاحی خاص پرداخته است و می‌گوید: معنای انتظار فرج الهی؛ خود را برای آن مهیا کردن است، و کوشش و خودسازی برای آمدن آن است، مانند کسی که وقت نماز، یا وقت افطار، یا آمدن مسافرش را انتظار می‌کشد، نه این که بدون هیچ گونه اقدامی دست روی دست بگذارد، و بگوید هر چه شدنی است، خواهد شد (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۳) و زمینه‌سازی، بدان معنا که هر کس باید مراقب خود باشد که از همکاری با اهل باطل پرهیز کند و خود و تا حدی که بتواند دیگران را حفظ کند. زمینه‌سازی برای ماندن در خط برای ایستادگی در



امتحانات، برای رنگ‌نباختن و به هویت کامل دینی باقی ماندن، معنای درست زمینه‌سازی برای ظهور و انتظار است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۵۷).

چنان‌که امام جواد علیه السلام در مورد واژه منتظر و معنای آن فرموده‌اند:

و سمي المنتظر لانتظار المخلصين خروجه بعد غيبته، له غيبة يطول أمدها؛ نام گذاری مهدی علیه السلام به منتظر، به دلیل انتظاری است که مخلصان بعد از غیبت او می‌کشند و برای او غیبت طولانی است (بیاضی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۳۱).

در کتاب اعلان‌الوری طبرسی، همین روایت با تفاوت‌هایی آمده است:

سُمِّيَ الْمُتَنَتِّرُ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوُلُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ؛ [به امام جواد علیه السلام] گفتم: چرا به او منتظر گفته‌اند؟ حضرت فرمود: برای این که غیبتش به طول خواهد انجامید، و افراد مخلص در انتظار خروج او خواهند بود» (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۴۳۶).

ب) مهدویت

«مهدویت» واژه جدیدی است که از وضع آن دیری نگذشته است. واژه مذکور به دو صورت قابل معناست: نخست، در قالب مصدر صناعی به معنای مهدی بودن است، نظیر کلمه «ادعای مهدویت» که در این جا به معنای ادعای مهدی بودن است. در این خصوص کلماتی نظیر جاهلیت، ایرانیت و عالمیت بر همین معنا تعریف می‌شوند. در قرآن نیز «جاهلیت» که مصدری صناعی است، به کار رفته است: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾؛ آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟» (مائده: ۵).

دوم، این که واژه «مهدویت» متشکل از یای نسبت و تایی تانیث است که وصف برای موصوف محذوف می‌باشد؛ مثل الصحیفه المهدویه، العقیده المهدویه و النظریه المهدویه؛ که در این جا، واژگان الصحیفه، العقیده و النظریه موصوف‌های محذوف هستند. اندیشه مهدویت در اصطلاح اسلامی، به معنای خوش‌فرجامی بشر در پایان تاریخ در پرتو ظهور امام مهدی علیه السلام است.



۱. آموزه انتظار در منتخب الاثر

آیت الله صافی گلپایگانی در حوزه مهدویت کتاب‌های متعددی تدوین کرده است. برجسته‌ترین و مهم‌ترین کتاب ایشان که به نحوی به عنوان منبع و مأخذ برای مهدوی پژوهان شناخته شده است، کتاب «منتخب الاثر» می‌باشد. کتاب در سه جلد و یازده باب و یک صد فصل تنظیم شده است. باب یازدهم، یعنی آخرین باب این کتاب که دارای شش فصل و ۱۴۷ حدیث می‌باشد به بحث انتظار، زمینه سازی ظهور و تکالیفی که منتظران در دوران غیبت دارند، اختصاص پیدا کرده است.

۲. انتظار و مقدمات ظهور

«ظهور» همچون هر حادثه دیگری که در تاریخ و مرتبط با عملکرد و کارکرد بشر تحقق یافته است، به مقدمات و بسترهای تمهیدی نیاز دارد. فراهم آوری مقدمات و بسترهای تمهیدی که از آن به انتظار و زمینه سازی ظهور تعبیر می‌شود، در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی و با فعالیت‌ها و فاعل‌های گوناگون خود نمایی می‌کند. برخی از این تمهیدات، به خدا و برخی به امام و برخی دیگر به انسان‌ها مربوط هستند. البته کانون ثقل بحث در این جا، در میان تمهیدات سه گانه، تمهیدات بشری است؛ زیرا در تحقق بسترهای تمهیدی مربوط به خدا و امام جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست. بر این اساس، در مورد این دو بستر تمهیدی در این جا بحث و گفت‌وگویی صورت نخواهد گرفت، بلکه بحث در این نوشتار بیش‌تر در زمینه نقش مردم در انتظار و بستر سازی ظهور و تحلیل کمیت، کیفیت و چگونگی فعالیت آن‌ها است. در بیان تحلیل کمیت و کیفیت زمینه سازی و ارتباط آن با ظهور، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی از افراد به بی‌ارتباطی میان زمینه سازی با رخداد ظهور نظر داده و ظهور و زمینه سازی را دو مقوله جدا از هم تصور می‌کنند که یکی امر زمینی و مربوط به فعل بشر و دیگری امر آسمانی و به فعل خدا مربوط است. در واقع از این نوع تفکر، برآیندی چون بی‌خاصیتی مردم و بی‌نقشی آن‌ها در زمینه سازی ظهور به دست نمی‌آید که از این بی‌خاصیتی و بی‌نقشی، روحیه بی‌مسئولیتی در مردم رشد پیدا می‌کند. برخی افراد ظهور را به عنوان یک حادثه زمینی، همچون دیگر حادثه‌های بشری تلقی کرده و نقش مردم را در آن پررنگ و تأثیرگذار دانسته؛ اما رابطه



میان زمینه سازی و رخداد ظهور را قبول ندارند؛ یعنی اعتقاد ندارند که میان زمینه سازی و رخداد ظهور رابطه لزومی بر قرار بوده و تحقق زمینه سازی موجب تقرب سازی ظهور می‌گردد.

برخی افراد ظهور را امری طبیعی و زمینی به حساب آورده و نقش مردم را به عنوان زمینه ساز ظهور مهم تلقی می‌کنند؛ ولی زمینه‌سازی را با ابزار نامقدسی به نام اشاعه گناه، نافرمانی، تعدی و نابرابری دست یافتنی می‌دانند که این کارها زمینه ساز فشار و ستوه بر مردم شده و نهایت این فشار و به ستوه آمدن، فراگیری ظلم و ستم در جامعه را موجب می‌شود و فراگیری ظلم و ستم در جامعه نیز زمینه ساز رخداد ظهور را به همراه دارد (مطهری، ۱۳۶۷: ج ۲۴، ص ۴۳۶). آری؛ در این نگرش، اصل زمینه سازی تلقی به قبول و نقش مردم در این زمینه‌سازی موثر و مهم دانسته شده و رابطه میان زمینه سازی و ظهور، رابطه فعل و نتیجه فعل بر شمرده شده و تحقق زمینه سازی و نصاب لازم در این مورد سبب تقرب زمانی ظهور و تحقق آن خواهد شد؛ ولی مؤلفه انحرافی در این مورد، کاربست ابزاری نامقدس، به نام «فراگیری ظلم و گناه» برای تحقق امری مقدس به نام «ظهور» است. این نگرش، در واقع استنباط از نگرش مذمومی است به نام «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» (الهی نژاد، ۱۳۹۷: ص ۳۶)؛ اما آخرین نگرش در این مورد که به نظر می‌آید جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش‌ها است و نظریه مختار که بر همین استوار می‌باشد؛ دارای شاخصه‌ها و مولفه‌های ذیل است: اولاً، ظهور امری زمینی و طبیعی است؛ ثانیاً، بشر لیاقت و توان زمینه سازی برای ظهور را دارد؛ ثالثاً، بر اساس فرمایش قرآن: ﴿فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ﴾؛ بشر به این امر، یعنی انتظار و زمینه سازی ظهور تکلیف شده است؛ رابعاً، میان زمینه سازی ظهور و رخداد ظهور رابطه وثیقی وجود دارد؛ خامساً، رابطه میان آن دو، رابطه فعل و نتیجه فعل است؛ سادساً، رابطه میان زمینه سازی و ظهور رابطه تلازمی (وجودی و عدمی) می‌باشد؛ سابعاً، زمان ظهور نامشخص و متغیر است و با تحقق زمینه سازی قابلیت تقدم و عدم آن قابلیت تأخر را دارد.

بنابراین، در این مسئله سزاوار است تسلیم حکم و اراده خداوند عالم باشیم و فضیلت انتظار ظهور را از دست ندهیم و همان‌گونه که در روایت «علی بن مهزیار» اشاره شده است، محجوب بودن (غایب بودن) آن حضرت را به اعمال خود نسبت بدهیم و همیشه یاد آن حضرت را در دل‌هایمان زنده نگه‌داریم و سعی کنیم از طریق اصلاح اعمال خود زمینه ظهور حضرتش را



هرچه بیش تر فراهم کنیم (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۷). ما می‌دانیم که شرایط و مقدمات ظهور، دعوتاً و به طور ناگهانی حاصل نمی‌شود^۱، بلکه از قرن‌ها پیش و به تدریج فراهم می‌گردد و دنیا به سوی آن پیش می‌رود و از آن استقبال می‌کند، بلکه ظهور، نتیجه حرکت و سیر جامعه انسانی و تحولات فکری مختلف و دیدن مکتب‌ها و کلاس‌های متعدد بسیاری است. چنان‌که می‌دانیم، از مقدمات و شرایط ظهور آن حضرت، این است که باید سطح اندیشه و طرز تفکر مردم، برای ظهور و قبول حکومت واحد و جهانی اسلام آمادگی داشته باشد و این ویژگی بر اثر سیر عادی جامعه در عرصه‌های علمی و فکری و سیاسی و اجتماعی حاصل می‌گردد و این نحو غیبت و ظهور (غیبت در عین ظهورهای پراکنده) مانع از حصول این اهداف و موجب غیر عادی شدن وضع رشد و ترقی افراد و جوامع خواهد شد (همان، ۱۳۵۷: ص ۶۸).

از آن‌جا که براساس کلام آیت الله صافی گلپایگانی، اعمال و رفتار ما زمینه ساز ظهور است و زمینه سازی ظهور به صورت تدریجی با آمادگی مردم حاصل می‌شود و همچنین مردم باید به آمادگی فکری، علمی، سیاسی، اجتماعی برسند تا ظهور تحقق یابد؛ همه این داده‌ها حاکی از تأیید نظریه چهارم است؛ یعنی رفتار و کردار بشر بر تحقق زمینه سازی ظهور تأثیر گذار است و بشر در تحقق ظهور و تقرب سازی آن نقش بی بدیلی دارد.

۳. ضروری و اعتقادی بودن انتظار

ضروری و اعتقادی بودن مقوله انتظار را می‌توان با دو نگرش عقلی و نقلی توجیه کرد. در نگرش نقلی از حدیث و داده‌های حدیثی و در نگرش عقلی از طریق عقل و داده‌های عقلی و ملازمه میان غیبت و ظهور می‌توان به این ادعا پی برد. «این باورداشت، به عنوان اندیشه‌ای اسلامی، بر قوی‌ترین برهان‌های نقلی و عقلی استوار است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۲۱).

۱. این نکته با مسئله دفعی و ناگهانی بودن ظهور آن حضرت، که برحسب روایات، وجه مسلم ظهور آن حضرت است؛ منافات ندارد؛ زیرا غرض ما از این شرایط و مقدمات، اموری است که بر حسب اراده و حکمت باری تعالی، قبل از ظهور، باید تحقق یافته باشد؛ به طوری که آن ظهور ناگهانی، موجب آن تحول عظیم و تغییر مسیر حرکت جهان گردد.

۳-۱. نگرش نقلی

در مورد انتظار، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت آمده‌اند؛ به طوری که برخی صاحب‌نظران در این خصوص ادعای تواتر کرده‌اند (آصفی، ۱۴۱۸: ص ۲۲). بدون شک «عقیده به مهدویت» و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی عالم، باوری صرفاً اسلامی است که براساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب‌نظران به متواتر بودن^۱ احادیث وارد شده در این باب، حکم کرده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۲۱).

احادیث مهدویت در میان اهل سنت، دارای جایگاهی مهم و خطیر و مورد توجه عموم مردم و خواص اهل سنت است. این احادیث از لحاظ دامنه نقلی پرگستره بوده و در منابع مختلف حدیثی نظیر صحاح، سنن، مسانید، مصنفات، جوامع و اطراف نقل شده و به دو شکل «حدیث» و «اثر» خودنمایی می‌کند. گستردگی دامنه احادیث مهدویت به حدی است که بسیاری از علمای اهل سنت، نسبت به قلمرو آن‌ها واژه «کثرت»، «مستفیض» و «تواتر» را به کار برده‌اند؛ یعنی احادیثی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه در خصوص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، از نظر تعداد، «کثیر» و از نظر شهرت، «مستفیض» و از نظر تعدد طرق، «متواتر» می‌باشند.

علمای اهل سنت در خصوص احادیث مهدویت ادعای تواتر کرده‌اند؛ عالمانی نظیر ابوالحسن محمد بن حسین آبری در کتاب «مناقب الشافعی» (آبری، ۱۴۳۰: ص ۹۵)؛ محمد گنجی شافعی در کتاب «البيان فی اخبار صاحب الزمان» (گنجی شافعی، ۱۴۲۱: ص ۶۷)؛ محمد برزنجی در کتاب «الإشاعة لاشراط الساعة» (برزنجی، بی‌تا: ص ۱۱۲)؛ محمد سفارینی در کتاب «لوامع الانوار البهية» (سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۲، ص ۸۴)؛ محمد بن علی صبان در کتاب «اسعاف الراغبین» (صبان، بی‌تا: ص ۱۱۲) و صدیق حسن قنوجی در کتاب «الإذاعة لما كان و ما يكون

۱. «متواتر» به معنای «پیاپی»؛ و در اصطلاح حدیث‌شناسی، به روایاتی گفته می‌شود که روایت کنندگان آن‌ها در هر طبقه، به گونه‌ای فراوان باشند که از مجموع روایات آن‌ها «علم عادی» به صدور آن کلام از معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل آید. به عبارت دیگر، اتفاق راویان و تعدد آن‌ها در نقل يك خبر از معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف به حدی باشد که توافق آنان بر «کذب» و همدستی آنان در «جعل خبر» ممکن نباشد.



بین ید الساعة» (قنوجی، ۱۴۲۰: ص ۱۲۶).

آیت الله صافی گلپایگانی در خصوص تواتر حدیثی در خصوص انتظار و مهدویت می نویسد: به راستی اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کارآزمودگان و نام آوران این رشته در گذشته و حال به تواتر و قطعی بودن آن‌ها تصریح کرده‌اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که «خبر واحد»^۱ شمرده می‌شوند، یا حداقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟ (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۲۲).

بحث ضروری و اعتقادی بودن انتظار را حضرات معصومان علیهم‌السلام در احادیث مختلفی متذکر شده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

ابابصیر می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

آیا شما را خبر ندهم از چیزی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی‌پذیرد؟ گفتم: بفرمایید. حضرت فرمود: «گواهی دادن بر این که معبودی جز الله نیست، و این که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنده او و فرستاده او است، و اقرار کردن به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است، و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما؛ یعنی ما امامان بخصوص و تسلیم شدن به فرمان آنان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم بودن. ما را دولتی در پیش است که هر وقت خدا بخواهد آن را پیش خواهد آورد. هر کس که از بودنش در شمار یاران امام قائم شادمان است، باید به انتظار باشد و با همین حال انتظار به پرهیز و اخلاق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلش فرا رسید و امام قائم پس از مرگ او قیام کرد، پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم را درک کرده باشد. پس کوشا باشید و به انتظار بنشینید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مشمول رحمت خدایید!»^۲ (نعمانی، ۱۳۷۹: ص ۲۰).



۱. «خبر واحد»؛ خبری است که نقل کننده آن، يك یا چند «راوی» باشد، تا آن‌جا که به حدّ «تواتر» نرسیده باشد و در اصطلاح حدیث‌شناسی، تقسیم‌بندی‌های مختلف و اقسام گوناگونی دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با «راوی» عبارتند از: «صحیح»، «حسن»، «موثّق» و «ضعیف».

۲. «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهٖ فَقُلْتُ بَلَىٰ فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِفْرَازُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَغْنِي أُمَّةَ (الْأُمَّةُ خَاصَّةً) وَ التَّسْلِيمُ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْإِجْتِهَادُ وَ الظَّمَانِيَّةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ

روایت مذکور طولانی است؛ اما به سبب وجود واژه «انتظار» در چند جای آن، همه متن روایت را ذکر کردیم. در این روایت، امام صادق علیه السلام به مهم بودن و اعتقادی بودن انتظار می‌پردازد که این قضیه از سه جای این روایات قابل برداشت است: اول، این که انتظار در ردیف مقولات اعتقادی، نظیر شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گرامی اسلام و باورداشت ولایت و امامت قرار گرفته است؛ دوم، این که قبولی همه عبادات و اعمال مسلمانان متفرع بر وجود اعتقاد به انتظار است که در صورت فقدان اعتقاد به انتظار همه عبادات و اعمال مردود هستند و سوم، این که در دو جای این روایت به مقوله انتظار امر شده است: «فَلْيَنْتَظِرُوا» و «انْتَظِرُوا» در واقع، مقوله انتظار از جمله مؤلفه‌های ضروری و واجبی دانسته شده است.

امام محمدتقی علیه السلام می‌فرماید:

الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ؛ مهدی کسی است که در زمان غیبت واجب است در انتظار او بودن و در زمان ظهور واجب است از او اطاعت شود (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۴۳۵). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وَ اكْتُمُوا أَسْرَارَنَا وَ لَا تَحْمَلُوا النَّاسَ عَلَىٰ أَعْنَاقِنَا، وَ انْظُرُوا أَمْرَنَا؛ اسرار ما را پنهان دارید و مردم را بر ما مسلط نکنید و در انتظار امر ما باشید» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۲۳۲).

در دو روایت مذکور، ضرورت انتظار و وجوب آن بر همه شیعیان به خوبی برداشت می‌شود و به نوعی خطاب روایات به همه شیعیان است و همه آن‌ها در این امر تکلیف و جویی دارند تا انتظار را احیا و آن را در جامعه به صورت فراگیر ترویج کنند.

به دلیل جایگاه مهم انتظار و نقش و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی مردم، همه معصومان علیهم السلام به نحوی به این موضوع پرداخته و از آن‌ها روایات و احادیث مختلفی نقل شده است؛ از جمله آن‌ها روایتی است از امام رضا علیه السلام که حضرت به اهمیت و جایگاه مهم انتظار پرداخته و آن را در زمره دین ائمه علیهم السلام تلقی کرده‌اند:

مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدَقُ وَالصَّلَاحُ وَالْإِحْتِمَادُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ طَوْلُ

→

الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُوا وَ انْتَظَرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.»



السُّجُودِ وَالْقِيَامِ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارِ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛ از جمله دین ائمه عليهم السلام تقوا، پاکدامنی، راستگویی، صلاح، اجتهاد، رد امانت به نیکوکار و فاجر، سجده طولانی، شب زنده داری، دوری از محرمات و انتظار فرج همراه با صبر است (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۴۷۹).

آیت الله صافی گلپایگانی در پاسخ به پرسشی در مورد وجوب انتظار، می فرماید:

بلی، انتظار واجب است. طبق بعض روایات، مثل روایتی که در ذیل می آید: عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ أَهْوُ الْمُهْدَى أَوْ غَيْرُهُ؟ فَأَبْتَدَأَنِي فَقَالَ: «يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمُهْدَى الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَطَّاعَ فِي ظُهُورِهِ؛ عبدالعظیم حسنی می گوید: خدمت حضرت جواد عليه السلام رسیدم و قصد داشتم در مورد قائم که آیا مهدی همان است و یا غیر او، مطالبی بپرسم. قبل از این که من سخن آغاز کنم، امام فرمود: «ای ابو القاسم! قائم از اهل بیت ما همان مهدی است که باید هنگام غیبتش انتظار او را کشید و در موقع ظهور هم باید از وی اطاعت کرد» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۹۱).

شیعه باید منتظر فرج باشد، مثل هر جریان و برنامه مهمی که در زندگی انتظار آن را می کشد، باید بیش تر و بیش تر فرج آن حضرت را که پایان بخش دوره های ظلم و جهالت و عصر خلاصی و نجات است؛ انتظار داشته باشد. البته هر چه التزامات دینی و تعهدات مذهبی و عمل برای تحقق مقاصد و مطالب آن حضرت بیش تر باشد، این حال انتظار از او ظاهرتر می باشد (همان، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۵۶).

بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اسلام، و بر این که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولین پایگاه برای نشر «عقیده به مهدویت» در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیلی قوی تر و محکم تر است از وجود خود این احادیث متواتره، که در اصلی ترین و معتبرترین کتاب های اهل سنت است؟ (همان، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۲۳).

۳-۲. نگرش عقلی

در نگرش عقلی، از طریق ملازمه میان مقوله «غیبت» با مقوله «ظهور»، به ضروری بودن «انتظار» پی خواهیم برد. مقوله غیبت با رویکرد ماهیت شناختی، یعنی عدم ظهور و مقوله ظهور



با نگرش مفهوم شناسی، یعنی آشکار شدن که عکس آن می شود غایب شدن؛ میان دو مقوله غیبت و ظهور که یکی با شناسه حقیقت خارجی و دیگری با شناسه حقیقت اعتقادی یعنی یکی در خارج به وقوع پیوسته و واقعیت پیدا کرده (غیبت) و دیگری مورد اعتقاد ما است و در آینده به وقوع خواهد پیوست، به وسیله مقوله انتظار ارتباط برقرار می شود و انتظار به مثابه واسطه و پل ارتباطی میان آن دو عمل می کند. به بیان دیگر، وقتی که غیبت امری است واقعی خارجی و بر اساس داده های روایی حتما این غیبت در زمان مناسب به ظهور تبدیل می شود؛ مقوله ظهور نیز امری قطعی و ضروری خواهد بود و بی شک در پی ضرورت و قطعیت ظهور؛ مقوله انتظار نیز امری ضروری و قطعی می باشد. پس به طور کلی از واقعیت غیبت به ضرورت ظهور و از ضرورت ظهور به ضرورت انتظار پی خواهیم برد.

به بیان دیگر، باورداشت انتظار متفرع بر دو امر غیبت و ظهور است که یکی برای انتظار نقش بستر و خاستگاه و دیگری نقش غایت و هدف را ایفا می کند؛ یعنی باورداشت غیبت علت فاعلی و باورداشت ظهور علت غایی برای انتظار هستند؛ اما در بیان اعتقادی بودن انتظار گفته می شود؛ وقتی که باورمندان مهدوی به واقعیت غیبت و پنهان زیستی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اعتقاد داشته باشند؛ ضرورتاً باید به امر ظهور نیز معتقد باشند و در پی اعتقاد به ظهور ضرورتاً باید به مقوله انتظار نیز باور داشته باشند؛ زیرا علاوه بر ملازمه که از طریق داده های عقلی بدست می آید، داده های روایی به واقعیت غیبت و ضرورت ظهور و انتظار اشاره دارند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیان واقعیت غیبت می فرماید:

لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةِ قَبِيلِ لَهُ وَ لِمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ؛ برای امام زمان غیبت لازم است. حضرت در پاسخ به چرایی غیبت فرمودند: «به سبب ترس از کشته شدن» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۲). امام صادق عجل الله تعالی فرجه نیز در این خصوص می فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ؛ غیبت برای امام زمان لازم است که در آن اهل باطل به شک می افتند» (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۴۸۲). همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص ضرورت و حتمیت ظهور می فرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ الْحَقِّ مِتًّا؛ قیامت به پا نمی شود تا این که قائم حق ما قیام کند» (خزاز رازی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶).



ابو الصلت هروی می گوید:

از دعبل شنیدم که می گفت: هنگامی که قصیده خود را برای حضرت رضا علیه السلام قرائت کردم و به این بیت مزبور رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى التَّغْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ
بَكَى الرِّضَا عليه السلام بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ وَقَالَ يَا خُرَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى
لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَتَيْنِ (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۴۴۳).

از مجموع روایات مذکور و امثال آن ها که در مجامع روایی شیعه فراوان نقل شده اند، به ضرورت و وجوب دو امر، یعنی غیبت و ظهور پی خواهیم برد. باورداشت غیبت، علاوه بر واقعیت و ضرورتی که از روایات برداشت می شود، وقوع خارجی آن موید بیانات روایات است؛ اما واقعیت و ضرورت ظهور، علاوه بر برداشت از مفهوم شناسی غیبت که به نوعی تداعی کننده ظهور می باشد، روایات مربوط به ظهور نیز گویای ضرورت ظهور و واقعیت آن در آینده است. در نتیجه از دو امر واقعی و ضروری به نام غیبت و ظهور، لزوماً به واقعیت و ضرورت امر سومی به نام «انتظار» که واسطه و رابط میان آن دو است، پی خواهیم برد.

۴. اجماعی بودن مهدویت و انتظار

مباحث مهدویت با نگرش کلی به دو قسم اصلی و فرعی تقسیم می شوند. مباحث اصلی مهدویت، مؤلفه‌هایی را شامل هستند، نظیر «وجود امام مهدی علیه السلام»، «ظهور امام مهدی»، «انتظار امام مهدی علیه السلام» و «نسب امام مهدی علیه السلام (یعنی فاطمی و علوی بودن ایشان)» و مباحث فرعی مهدویت مواردی هستند، نظیر «شمایل امام مهدی»، «مدت حیات امام مهدی»، «مدت حکومت امام مهدی»، «اوصاف شخصی امام مهدی»، «ازدواج امام مهدی» و «فرزندان امام مهدی». سوآلی که به ذهن می رسد، این است که این که ادعا می شود مهدویت مورد اجماع و اتفاق همه مسلمانان بوده و احادیث آن مستفیض بلکه متواترند، کدام قسم از اقسام مباحث مهدویت را شامل می شود؟ در پاسخ به این پرسش، محمد ناصرالدین آلبانی می نویسد: به طور کلی طرح بحث اجماع و تواتر در مهدویت در قسم اول، یعنی مباحث اصلی مهدویت اجرایی و عملیاتی می شود؛ یعنی اجماع مسلمانان بر این است که فردی به نام «مهدی» که از نسل پیامبر



و با نسب فاطمی و علوی است، ظهور می‌کند و جهان را به سوی خیر و سعادت به پیش می‌برد و نیز احادیث مربوط به مهدویت، به تواتر معنوی، قطعیت این امور را تأیید و صدور آن‌ها را از معصوم مسجل می‌کنند؛ اما در مورد فروعات مهدویت، سخنی غیر از این گفته می‌شود؛ زیرا در مورد فروعات مهدویت نه اجماعی در میان است و نه تواتری (آلبانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۳۹).

شیعیان و علمای شیعه نیز تواتر حدیثی مهدویت و اجماعی بودن آن را قطعی گرفته‌اند (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۴۵ و بهاء‌الدین نیلی، ۱۴۳۰: ص ۹)؛ چنان‌که آیت الله صافی گلپایگانی می‌نویسد:

بدون شک «عقیده به مهدویت» و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، به عنوان منجی عالم، باوری صرفاً اسلامی است که براساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن احادیث وارد شده در این باب حکم کرده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۲۱). ایشان همچنین در جلد دوم کتاب سلسله امامت و مهدویت می‌نویسد: اصالت عقیده به مهدویت از این لحاظ محتاج هیچ بیانی نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و هیچ خردمندی آن را رد نمی‌کند و اظهار شک و تردید را در آن جایز نمی‌داند. هرچه بیندیشیم و هر اندیشمندی آنچه بیندیشد، نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این منظر ایرادی بگیرد یا حرفی بزند (همان، ج ۲، ص ۲۳۷).

اهل سنت نیز به این موضوع پرداخته و به اجماعی بودن آن اذعان کرده‌اند. عبدالعزیز بن باز در کتاب «مجموع فتاوی»، ابتدا به باطل بودن قول منکران مهدویت می‌پردازد و در ادامه به مستفیض بودن روایات مهدویت و سپس به متواتر بودن آن‌ها و در نهایت به اجماعی بودن اندیشه مهدویت میان علمای اسلامی نظر داده است (بن باز، بی‌تا: ج ۴، ص ۹۷).

ابن خلدون با این که اصل اندیشه مهدویت و روایات آن را مورد نقد قرار داده و پایه‌های مهدویت را به مخاطره انداخته است؛ به عمومیت و اتفاق همه مسلمانان در مورد اندیشه مهدویت اذعان کرده و آن را جزء باورهای فراگیر مسلمانان تلقی می‌کند:

بدان! مشهور میان تمامی اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده که می‌باید در آخر الزمان مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور کند که دین را یاری نموده، عدل را ظاهر نماید ... در این



باره به احادیثی احتجاج می‌شود که پیشوایان گفته‌اند؛ اما منکران نیز در این باره سخن
رانده‌اند و چه بسا به اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده‌اند» (ابن خلدون، ۱۴۲۲: ج ۱،
ص ۲۴۵).

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه گفته است: «اتفاق تمام فرقه‌های مسلمین است که دنیا
و دین و تکلیف تمام نمی‌شود، مگر با مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱،
ص ۹۶).

منصور علی ناصف در کتاب «غایة المأمول» می‌نویسد:

مشهور میان علمای گذشته و حال این است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت، به نام
مهدی قیام می‌کند و مسلمانان از او پیروی می‌کنند و او دین را یاری می‌کند. دجال
ظاهر می‌شود و عیسی نازل می‌گردد و با مهدی یا او به تنهایی دجال را می‌کشد و بزرگان
صحابه و اکابر محدثان، نظیر ابی داوود ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابی یعلی، بزار، امام
احمد و حاکم، روایات مهمی را نقل کرده‌اند و کسانی چون ابن خلدون که همه روایات
مهدی را تضعیف می‌کنند، اشتباه کرده‌اند^۱ (ناصر، بی تا: ج ۵، ص ۳۸۲).

محمد عظیم آبادی نیز در کتاب «عون العبود شرح سنن ابی داود» همین اتفاق و هماهنگی
مسلمانان را در خصوص مهدویت مطرح کرده و علاوه بر آن ادعا می‌کند که این اتفاق در طول
تاریخ اسلام تداوم و استمرار داشته است^۲ (عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ص ۲۴۳).

همچنین در زمینه بیان اتفاقی بودن اندیشه مهدویت میان مسلمانان، صاحب کتاب
«الاذاعة» اذعان دارد که قضیه امام مهدی میان همه اهل اسلام مشهور و این اتفاق در طول
تاریخ استمرار داشته است (قنوجی، ۱۴۲۰: ص ۱۲۶).

پس اجماعی بودن مهدویت در میان مسلمانان، بدان معناست که همه گروه‌های اسلامی
بالاتفاق به مسئله مهدویت و آموزه‌های آن اعتقاد دارند و همه آن‌ها مهدویت و مسائل مهم آن

۱. «اشتهر بين العلماء سلفاً وخلفاً: أنه في آخر الزمان لابد من ظهور رجلٍ من أهل البيت، يُسمَى: «المهدي»، يستولي على الممالك
الإسلامية، ويتبعه المسلمون، ويعدل بينهم، ويؤيد الدين.»
۲. «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْمَشْهُورَ بَيْنَ الْكَافَّةِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْأَعْصَارِ أَنَّهُ لَا بُدَّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ ظُهُورِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ... وَيُسَمَّى
بِالْمُهْدِيِّ.»

را به عنوان باوری اصلی تلقی به قبول کرده‌اند (الهی نژاد، ۱۳۹۶: ص ۴۵). به بیان دیگر، آموزه مهدویت آموزه‌ای مذهبی نیست؛ یعنی به مذهب خاصی متعلق نمی‌باشد، بلکه فرامذهبی، یعنی به همه مسلمانان و همه مذاهب اسلامی متعلق است. البته در میان مذاهب اسلامی، افراد نادری با رویکرد شیعی یا سنی وجود دارند که در قبال مهدویت مخالف ورزی کرده‌اند (همان، ۱۳۹۸: ص ۱۰۲). این مخالفت‌ها، به ایده اجماعی بودن مهدویت و فرامذهبی بودن آن خدشه‌ای نمی‌زند.

مسلمانان و جوامع اسلامی از مهدویت و انتظار بهره‌های فراوانی در ابعاد فردی و اجتماعی برده و می‌برند؛ مثلاً اجماعی بودن مهدویت و انتظار، مقوله اتحاد و همگرایی را نصیب مسلمانان و جوامع اسلامی می‌کند؛ زیرا با عنایت به این که در دوران معاصر اختلافات و تشتت، به طور فراگیر دامن‌گیر باورمندان اسلامی شده و همه کشورهای اسلامی در خاورمیانه به نوعی از این اختلافات به سختی و دردسر افتاده و پایه‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها تضعیف و رو به سستی رفته است؛ باور به مهدویت و انتظار به عنوان باوری اجماعی می‌تواند این نقیصه را جبران و زمینه اتحاد و همگرایی را در میان مسلمانان تقویت کند.



نتیجه‌گیری

در میان آموزه‌های اسلامی، «مهدویت» از جمله آموزه‌های پرکاربرد و تأثیرگذار می‌باشد و در میان آموزه‌های مهدویت، «انتظار» از جمله آموزه‌های پرکاربرد است و برای ساماندهی منتظران و جامعه منتظر نقشی بی‌بدیل و اثر بخشی را دارد. در طول تاریخ اسلام، اندیشمندان اسلامی به‌طور کلی و جزئی به اندیشه مهدویت و انتظار توجه ویژه‌ای کرده و در این زمینه آثار و مکتوبات فراوانی از خودشان به یادگار گذاشته‌اند. در این میان، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، به‌عنوان فقیه مهدوی، بیش از بیست اثر علمی در خصوص تبیین و تحلیل مهدویت با رویکرد نقلی و عقلی نوشته است. بی‌شک برای بهره‌وری و کاربردی کردن مسئله مهدویت و انتظار در جامعه باید با چشم انداز تحلیلی و تبیینی، فعالیت‌های علما و اندیشمندانی اسلامی در حوزه مهدویت مورد بررسی و بازکاوی مجدانه قرار گیرد تا اندیشه مهدویت، از مقام «گفتمان‌سازی» به جایگاه «فرهنگ‌سازی»، «جریان‌سازی» و «الگو‌سازی» برسد مردم و جامعه منتظران با الگو‌گیری از دیدگاه و نگرش‌های علما، فقها و در رأس آن‌ها ولی فقیه برای سازندگی جامعه اسلامی بهره‌برداری کافی و وافی کنند. در این میان، مقوله انتظار، مورد تحلیل و بررسی مدقانه قرار گرفته و حرکت‌ها و فعالیت‌های علمی علما و اندیشمندان اسلامی در این خصوص مورد ارزیابی و سنجه دقیق قرار می‌گیرد تا همه نهضت‌ها و حرکت‌های اجتماعی منتظران بر اساس پیام‌های برگرفته از مقوله انتظار و بر محور الگو‌گیری از فعالیت‌های منتظرانه علما و اندیشمندان اسلامی منطبق شود تا علاوه بر مقبولیت عمومی، رنگ اسلامی و مشروعیت به خود بگیرد؛ یعنی بر اساس دو عنصر مقبولیت و مشروعیت، علاوه بر اقبال مردمی، اسلامی آن تضمین شود.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالکتب العربیه.
۳. ابن شعبه الحرانی، حسن (۱۳۶۳). تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد (۱۴۱۶ق). لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربیه.
۵. اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۱ق). مکیال المکارم، محقق: سیدعلی عاشور، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۶. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل ظرفیت شناسی انتظار در اهل سنت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. _____ (۱۳۹۷). مردم و زمینه سازی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. _____ (۱۴۰۱). مهدویت پژوهی تطورات و آسیب ها، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. آبری سجزی، محمد (۱۴۳۰ق). مناقب الشافعی، بی جا، دار الاثریه.
۱۰. آصفی، محمد مهدی (۱۴۱۸ق). الانتظار الموجه، بیروت، الغدیر.
۱۱. البانی، ناصر الدین (۱۴۱۵ق). سلسله الاحادیث الصحیحه، ریاض، مکتبه المعارف للنشر و التوزیع.
۱۲. برزنجی، محمد (بی تا). الاشاعه لاشراط الساعه، قاهره، مکتبه المشهد الحسینی.
۱۳. بن باز، عبدالعزیز (بی تا). مجموع فتاوی و مقالات ابن باز، مدینه (عربستان)، الرئاسة العامه للبحوث العلمیه و الافتاء.
۱۴. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایت الاثر، قم، بیدار.
۱۵. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). صراط النجاه، محقق: میرزای تبریزی، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴). لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷. سفارینی، شمس الدین (۱۴۰۲ق). لوامع الانوار، دمشق، مؤسسه خائقی و مکتبها.
۱۸. شرتونی، سعید (۱۳۷۷). اقرب الموارد، تهران، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.
۱۹. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه، مترجم: علی نقی فیض الاسلام، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.

